

SPIDER-MAN/
DEADPOOL

002 **MARVEL**

KELLY
McGUINNESS
MORALES
KEITH



دورناامه
dorrnaame.ir

ساختمان اصلی مدیریت پارکرز اینداستریز ساختمان بکستر، نیویورک، نیویورک

"وقتی اسم پیتر پارکر رو تو دیکشنری آنلاین سرچ کنی..."

"... کامپیوترت دهن باز می کنه و عمه ات رو می کشه و عروسک های خیمه شب بازی که دهنشون به جای دندان سوزن دارند می ریزند بیرون."

بهم بگو همین الان این نوشیدنی سیاه رو روی پیرهن سفیدم نریختم.

می گفتم ولی خوب دروغ می شد.

چون پام گیر کرد به گزارشم...

که گفته بودم از سرراه برداری تا بهش گیر نکنی. اونم درسته.

و تا ۳۰ ثانیه قراره جلوی دوربین باشم.

کاملاً درسته. عاقلانه بنوش کارت درست پیش می ره.

"آقا رو ببین. نابغه ارادل که شین رو گذاشته تو جیبش."

"د مثل دیکتاتور..."

"شین مثل شیطان آدم نمای هزارپایی که فکر می کنه..."

کی می تونه گره فرانسوی بزنه؟

شما! خانم...؟ امکانش هست اون کراوات ها رو به من بدید؟

همشونو؟

من بلام.

تو به مقام سلطان مدارتقا درجه پیدا کردی.

بیست ثانیه... اگه نجیبی آبروت می ره.

"ف مثل فاجعه
که بزودی اتفاق می افته."

...وب ویر نسخه ۲
انقلابی در ارتباطات و
مانیتورینگ بیومتریک ایجاد
کرده، دنیا رو به جایی بهتر
تبدیل خواهد کرد.

سؤالی هست؟

اون چجور
کراوات
زدنیه؟



اون...
کراوات
نیست...
یه چیزی
مثل چهار
کراواته.

جدیدترین
چیزیه که تو شهر
میلان ابداعش
کردند...
اسمش
چنگرمنده.

<<چنگر مند>>

خخخ

تو...
چند...
می زنی و می بندی
به هم.

بَلْفَظَة



فصل بعد
در همه جای منتن
اونارو خواهید
دید.

منو ببخشید
باید چنگر مند بزئم!
خخخ...

بعتون گفتم
که وب ویر ۲ در ۵
رنگ ارانه می شه؟

"ف مثل..."

نفرت انگیز نسناس
نون به نرخ روز خور. نو کیسه ای
که نون دونی ما بود نهایت
نااهلی و نامردی
رو نمایان کرده.

خودت متوجه
شدی که وقتی
استرست زیاد می شه
خیلی از تجانس آوایی
استفاده می کنی؟

راست می گی؟
رو هم رفته...راست
راسته...



<<هییی>>
دارم اسنادی که علیه
پارکر وجود داره مرور می کنم.
واضحه که باید سر و دمش
رو به هم بدوزم...

ولی اینجا نشستی
و عوض اینکه با من
حرفه بزنی خیره شدی
به کامپیوترت...

تازه ماسکت
هم رو صورتته.

فعلاً رو
دنده کارم عزیزم.
دارم کار
می کنم.



یه کم
هم به من
توجه کن خوب.

سلاح مورد
علاقته وردار یه
گلوله تو سرش خالی
کن. بعد می تونی...

بهران نامعلوم
بهران نامعلوم

احتمالاً می دونی
که من عضوی از
تیم انتقام جویان
هستم و بدون یه
دلیل خیلی خیلی
خیلی خوب نمی تونم
کسی رو ساکت
کنم...

تو توی یه
تیم خیلی خیلی
واقعی نیستی.



خیلی وقتتو
نگرفتم که به جای یه
خانوم خفن وواقعی نقش
ننه منو بازی کنی...

روی روجم فشار
روانی ... روا ندار که
روانی می شم...

چنگر مند!!!
چنگر مند!؟
چنگر مند.

خوشبختانه تو این سیستم
خبری چیزی بیشتر از ۲۴ ساعت
نمی چرخه.

دبیرستان چهار سال تمام
تحمل ریاضت بود. من می تونم
چند روز تبعات چنگر مند رو تحمل کنم.

یه مدیر شیک بودن اونقدرهایی آسون
نیست که تونی استارک نشون می ده.
با تمام کارهای خوبی که تو پارکر اینداستریز
انجام می دیم، من آدم شیک رفتار کردن و
جلسه رفتن و دست دادن و این همه
مدیربازی نیستم.

اگه نمی تونستم با این تورها
خودمو سرگرم کنم این قضیه
چنگر مند متوراهی تیمارستان
می کرد.

حالا سؤال اینجاست
که این وقت کم
اسپایدی برایم کافیه؟

BREE-DEET

WOO
ROUND

TOWE'S LOWE'S HAPPY OPEN 24

هی اسپایدی
داشتم فکر می کردم
که تیم شدنمون چقدر
باحاله! چه خبر؟

WHISPER
WHISPER
WHISPER

...

گفتی
"زورگیری"؟



بذار برم قربان. من حس راحتی ندارم.

شماها بچه هایی بودید که محصول افسردگی هستید مگه نه؟ من دارم بهترم. محبت می دم.

قبل از اینکه مرگ رو به آغوش بکشید هرگز همچنین شرایطی براتون پیش نیامد که به ابرقهرمان رو از این نزدیکی ببینید...

از چون ما چی می خواهی؟! ۲۰ دقیقه شد! من کار دارم. تو هم بوی بدی می دی.

این چرم اصله رفیق. و منم شما رو از ته دل بغل کردم قبل از اینکه بخوام...

FREE HUGS WITH DEADPOOL



مرد عنکبوتی واقعی!

من مد عنکبوتی واقعی هستم! و شما قانون شکنی کردید... به نظرم...

شما آقای عزیز مرد عنکبوتی واقعی نیستید. اون علاقه زیادی به کلون داره...

من کلون نیستم.

کلون ها همیشه همینو می گن.



اوه! انگار یه چیزی چسبید به باسنم. معنیش اینه که خداحافظ عزیزان بغلی!!!

زمانبدیت عالی بود! و من از دوستت متنفرم!

اون دوست من نیست.

خوووب... با این حرکت بچه هامو چسبوندی به دیافراگم.

من سرم شلوغه داپول. چی می خواهی؟

بین خودت که می دونی اینا قراره میوه های زندگی من باشند.

THWIP



کار ما تمومه...

صبر کن! صبر کن! می خواستم باهات حرف بزنم ولی موبایلت رو نداشتی. سعی کردم داد بزنم و بگم: اسم منو بگو ولی انگار اسپایدروب خط نمی داد.

باید تو این شهر با هفت میلیون جمعیت وسیله ای برای جلب توجه تو داشته باشم. یا نه.

ببین شوخی به کنار. زخم اونا رو کرده تو شیشه و گذاشته رو میز.

ببین اگه خبرو درز بدیم می تونیم برای ریاست جمهوری اقدام کنیم.

خفه چپی.

عالیه! ایجاد ارتباط! فقط سه موضوع!

الف) به نظرت از سیستم کنترل نیروی هوایی می شه برای وضعیت شلوار استفاده کرد؟

ب) اگه بوی دوپ به مشامت بخوره در حالیکه خواب هستی، می ری پیش کشیش اعتراف کنی؟

می تونی اینو که گفتی توضیح بدی؟ حداقل بخشی از اونو؟

...سرفه... اون کلون رو رد کن بره... سرفه...

چی؟

سسی ثانیه وقت داری وید.

ووووو...اینکه رئیس پیتز پارکر یه نابغه پلیده یا فقط یه شرور پلیده؟

یه کم از اون آخری.



آآآآآآآآآآ!!!

دریافت ها چیزهای عجیبی هستند. من ده هزار درصد مطمئنم چیزهایی که می بینم نمی تونند واقعی باشند.

لشکر گابلین هایی که شکست خوردند.

ولی حس عنکبوتی من مثل کلاهک هسته ای یه موشک مدام به جرمه من فشار میاره و دردهای میگرنی ایجاد می کنه.

خطر رو از فاصله چندین مایلی حس می کنم. یه حس درونیه.

من به دریافت درونیم اعتماد دارم و این دریافت ها وحشت زده هستند.

من اکثر اوقات روز سرد کنم.

بعضی وقت ها نمی دونم فک و فامیل شیکلا اهل کدوم طبقه جهنم هستند.

بعضی وقت ها به جای کلوله های لاستیکی کلوله های واقعی تو اسلحه ها می دارم.

حتی مجبور شدم سریال بازی تاج و تخت رو دوباره از اول ببینم تا مطمئن بشم وقتی بازیگران نقش داریو ناهازیس رو عوض کردند، دچار توهم نشده بودم.

واقعیت کار من نیست... و وتی توهم می زنم کلی توهم با هم میان سرانعم.

خوشبختانه وقتی به سمت یه موقعیت شرمنده کننده و اجتناب ناپذیر می رم متوجه یه چیزی می شم...

که همه تو اتوبان وحشت اسیر نیستند.

چیزی که هست اینه که من این سفرهای درونیم رو ضد خونریزی کردم.

یه بچه...یه بی خا مان یه پیرزن...من. این چیزیه که متخصصان بهش می کن کلید.

CRATCHH

باید بریم!
باید از اینجا
خارج بشیم!... باید...

خونسرد باش
مرد عنکبوتی! یه چیز
اینجا درست نیست
ولی...

...لعنتی
انقدر این ور
اون ور می خورم
تا بفهمم چیکار
باید بکنم!

LA
CUCARACHA

داره... اتفاق..
می افته...؟

اگه از اینکه
شهر در برابر لشگری
از گابلین ها سقوط کنه
نمی ترسیدم... خیلی
عصبانی می شدم.

ددپول داره
میاد، ددپول داره
میاد...

آره داره
از دیوار میاد
بالا!

عاشق ددپولی
تو عاشق ددپولی
مگه نه...

خفن ترین
ماشین سواری
رو داره!

VRRRRRRR

من نمی دونستم
که تو هم از توهم
کلی رنج می ببری.

شاید اوردوز
شاید باشه. شاید
هم برنامه های
نامربوط نگاه
می کنی!

نه! بذار بره!
گابلین ها!
گابلین ها!

تو با اونها
کار می کنی! اینجوریه
کارهای تو مگه نه؟ هر
کی بیشترین پول و
قدرت رو داشته
باشه...!

می دونستم
که نباید بهت
اعتماد کنم!

چرا باید
به اعتماد به این
فکر کنی..?

بچه اسپایدر!
میون حرف بزرگترها
نپر.

چقدر
احمق بودم که فکر
می کردم یه دره تغییر
در تو می تونه اتفاق
بیفته!!

اولاً، داشتی
به من فکر می کردی؟
خیلی خوبه.

دوماً، باید
از خودت شرمند باشی
چون خودت گفتی که
از تکنولوژی پارکر
استفاده می کنی...

BLAMM
BLAMM

KTSCHH

SKTCHH

دنیا آتیش گرفته
و تو سمت نادرستی
رو گرفتی.

همیشه جای غلط
وایمیستی! می دونی
چرا اینقدر ازت بدم
میاد؟ بخاطر این!

تو خودخواه و
احمق و من بهت
اعتماد ندارم!

...

نه نیستم.
من یه یاغی
خشم.

متأسفم،
من...

...
وب ویر...؟
توهم... منتقل شد...؟

تو نجاتمون
دادی؟

نه گنده.
یه فحش رمزیه.
به معنی خفه
شو.

چطوره سر
راهمون که می ریم
حساب ریستو برسیم
در موردش حرف
بزنیم.



قبل از آشنایی با آپولو متوجه شدم که افراد فقیر ضد صنعت و معترض مثل من هیچ تغییری تو زندگیشون اتفاق نمی افته.

داغ ترین تکنولوژی این اطراف به نظر مقصر می اومد.

یکی شبکه وب و ویر رو هک کرده و رابط بیومتریک رو برعکس کرده...

آره... "یه نفر"

به جای اینکه اطلاعات رو از وسیله های الکترونیکی جمع آوری کنه داره اونجا رو به مغز کاربرا می فرسته...

یه حرکت انحرافی و فوق العاده مخرب شیطانی علیه شهروندان.



کاررئیس توئه.

پیتز پارکر؟ واقعا...

شنیدی احمق جون. پارکر همه اونهایی رو که می تونند پول به نماد گرون رو بدن فرستاده تو فاز روان پریشی.

من یه نخاله ام. ولی پیتز پارکر آدم شرور اصلیه. نگو نگفتم.



می تونم صد در صد اطمینان بدم که پیتز پارکر نقشی تو این قضیه نداشته.

اینو کسایی می کنن که دنبال کار باشند.

چرا اینقدر به پیتز پارکر فکر می کنی؟



چرا به پارکر اعتماد مطلق داری به من نه؟

ما همه اسراری داریم و من دارم بهت می گم اسرار پارکر خیلی بدند.

وید...من... وقتی بهت گفتم تو...

تو گفتی! منم شنیدم! هر چی... ما دوست هم نیستیم...

حالا می تونی رو یه سیگنالی چیزی زوم کنی؟



ل-لطفاً م-مردم دارند لطمه می خورند. سیستم هرگز قرار نبود...

البته که قرار بود.

پارکر متوجه قدرتی که تو دستش بود نشد. خنده داره...

...چقدر حماقت آمیز توهمات خودمون باور من شد.



اون فکر می کنه
مرد خوبییه، مردم
شهر فکر می کنند
پارکر مرد خوبییه...

...ولی مثل
همه توهم ها
تغییر دیدگاه
همه چیزو عیان
می کنه.

مسیر غلط به
بهای گزافی تموم
می شه. وقتی اجساد تو
خیابونها انباشته بشن...

...همه چهره
واقعی هیولا
رو می بینند.

چنین گفت

MISTERIO!

میستریو!



ADADADADADADADAH!

OH?

ADADADADADADADAH!

THUMP

SCREECH



گفتی بزن بهمش.

گفتم بزن رو ترمز!

CRUNCH
CRUNCH



هیچکس اینجوری نمی‌گه!

وقتی جلوت دیوار باشه می‌کن.



ولی درست نگفتی.

SPRRT



من سیستم ارسال سیگنالهای وب ویر رو مختل می کنم و شبکه پارکر رو خاموش می کنم.
برو دنبال میستر یو. امکان نداره به این آسونی...

خونت که مثل کواکولا نیست؟ تازه رنگش کرده بودم...



ددپول!



باشه خوب. احتمالاً به ربات احمق یا چیزی مثل اون باشه!

TK TAK



چرا من ۵ دقیق و حشتناک بد داشتم؟

میستر یو شبکه وب ویر رو هک کرده و جریان اطلاعات رو برعکس کرده.

سیستم تحت کنترله. ولی به چک کلی بکن و پاسخگویی اضطراری رو فعال کن. پیام های روابط عمومی هم به من نفرست.

وید، قبل از اینکه وارد جنگ بشی همه چیزو آماده کن.

اگه میستر یو رو درست شناخته باشم، مسائل خیلی...

عجیب می شه



گرر گل...

فکر می کنم چهار از پنج داره برمی گرده... هشت... نه...

اگه به اندازه بانداژ کل بدن تو النگوت باند داری الان بهترین وقته.



فهمیدی؟ اوه خدای من...

لعنتی... نمی خواستم امروز دخل کسی رو بیارم...

اینجا چه
خبره؟

آقای پارکر!
م- ما متوجه شدیم
که مشکلی پیش
اومده.

بهتون اطمینان
می دم...

این پارکر
نیست.

نه...
نه. من
نیستم.

درها رو قفل کنیدا

نترسید نابغه ها
من مأمور بهداشتتم.
می خوام بدونم دستاتونو
می شورید یا نه؟

هشدار پارکرا!
ما داشتیم... خدای من
...اون داپوله...

ای بابا...
چند تا خطای
کوچیک دارید که!
روی سالادها رو
نپوشوندید...

اون روده کش
به نظر ضد عفونی
نشده...

و به نظر
می رسه خوچه های
هندی آزمایشگاهیتون
از گونه انسان های
بی علاقه هستند.

باید این
نکات رو تو
گزارشم بنویسم.
متاسفم.

پروتکل های امنیتی
رو اجرا کنیدا آتش
به اختیار آتش
به اختیار

به اونم می رسیم.
اول بازی به اختیار...
بعد تیکه تیکه کردن
به اختیار.

اگه دیدن خودتون
که کنار اعضاء بدنتون رو
زمین می افتید حالتونو
به هم می زنه، پیشنهاد
می کنم یه گلوله خالی
کنید تو مغزتون.

ولی امیدوارم
اینطور نباشه.

YEAAAAGH!



متأسفانه من قبل از شروع کار بیشتر جوک می دارم به عهده شما...

ولی الان باید یه زنگ بزنم...

BOEET

شماره مشتری بیمار صفر رو بگیر.

حرف بزن.

سلام. ددپولم. شرمنده اینجا سروصدا زیاده. اینجا عده زیادی رو مجبور کردم آرزو کنند ایکاش هیچوقت به دنیا نیومده بودند.

"توقع نداشتم رنگ بزنی. به در خواست من رسیدگی کردی؟"

آره مشغولم. کاملاً.

ممنونم. واقعا... متشکرم.

راست می گی؟ دفن کردن پارکر زیر زمین لذتبخش خواهد بود.

فعلاً روز خوش.

پایان قسمت #۲

می خواهید بدونید **بعدش** چی می شه؟



#3